

شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد در ایران

محمدجواد محقق نیا* و علی اکبری باوفا گلپایان**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۵

چکیده

برنامه‌های تامین مالی خرد در نیمه دهه ۱۹۸۰ پدیدار شد، بنابراین، می‌توان تامین مالی خرد را یک پدیده نوظهور دانست. علت ظهور و گسترش سریع تامین مالی خرد می‌تواند نتایج ضعیف استراتژی‌های قبلی توسعه و به‌طور خاص استراتژی‌های مربوط به توسعه مالی باشد. در این تحقیق با کمک پرسشنامه دلفی سه بعدی به شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد در ایران پرداخته شده است. در بخش تجهیز، سپرده‌ها شامل سپرده‌های قرض الحسنه، هبه، وکالت خاص-گروهی و سپرده مسدودی (پس‌انداز) است. در بخش تخصیص، تسهیلات به دو دسته عمده تسهیلات مصرفی (عادی و اضطراری) و تسهیلات تولیدی تقسیم شده‌اند. بنگاه‌های فعال در بازار تامین مالی خرد به دو دسته عمده بانک‌ها (تجاری و هلدینگ) و موسسات مالی (انتفاعی و غیرانتفاعی) تقسیم شده‌اند. استفاده از مسئولیت مشترک به‌عنوان وثیقه و نیز استفاده از روش وام‌دهی ترکیبی گروهی-انفرادی به‌طور قوی مورد تاکید قرار گرفته است. در بعد اجرایی، سامانه‌های الکترونیکی، بسترسازی و تفکیک گزارش‌دهی براساس نوع تسهیلات و نوع عقود مورد استفاده مدنظر بوده است.

طبقه‌بندی JEL: G21, I30, I39

کلیدواژه‌ها: تامین مالی خرد، توسعه مالی، فقر، بانکداری اسلامی، قرض الحسنه.

* استادیار گروه بانکداری اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی: mgmohagh@yahoo.com

** کارشناس ارشد بانکداری از دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی: bavafa88@yahoo.com

۱- مقدمه

مروری بر آیات و روایات وارده در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد که در اسلام، فقر و بی‌عدالتی‌های اجتماعی پدیده‌هایی مذموم شناخته شده و یکی از اهداف مهم هر نظام اسلامی و به تبع آن اقتصاد اسلامی (به عنوان یک حوزه علمی) از بین بردن این موارد و تقویت رضایت اجتماعی از این طریق است. از این رو، در جامعه اسلامی لازم است تمامی روابط اقتصادی و مالی به نحوی تنظیم شود که نظام اقتصادی بتواند در راستای تامین اهداف موردنظر اسلام حرکت کند. همچنین، نظام تامین مالی اسلامی، به عنوان یکی از ابعاد نظامی جامع تر به نام اقتصاد اسلامی، نسبت به تامین اهداف موردنظر اسلام در حوزه اقتصاد دارای وظیفه بوده است و نمی‌تواند نسبت به این اهداف بی تفاوت و یا کم توجه باشد.

بررسی تجارب سایر کشورها در مساله تقویت عدالت و رضایت اجتماعی در شبکه بانکی به خوبی نشان می‌دهد که در چند دهه اخیر تجربه‌ای خوب در حوزه ارائه خدمات مالی به گروه‌های پایین درآمدی، تحت عنوان «تأمین مالی خرد» به وجود آمده است. هدف اصلی این نوع تأمین مالی، ارائه خدمات به افرادی است که به دلایل مختلف نمی‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند.

تعاریف گوناگونی از تأمین مالی خرد شده است، اما همه آن‌ها در سه محور مشترک‌اند:

الف) خدمات متنوع مالی مناسب.

ب) اندازه خدمات (کوچک مقیاس).

ج) گروه هدف (خانوار فقیر و کم درآمد).

جامع ترین تعریف را مظهر (۲۰۱۰: ص ۱۰) بیان می‌کند: «تدارک و ارائه خدمات متنوع مالی کوچک مقیاس همچون پس انداز، اعتبار و سایر خدمات مالی پایه‌ای برای افراد فقیر و کم درآمد.»

تبیین الگوی تأمین مالی خرد برای هر کشور (و بلکه برای هر ناحیه) نیازمند شناخت عوامل موثر مختص به آن است، بنابراین، در این تحقیق بر آن شدیم تا برای اولین بار در ایران در یک تحقیق جامع به شناسایی عوامل موثر بر تأمین مالی خرد بپردازیم.

مهم ترین سوالات در یافتن عوامل موثر بر تامین مالی فرد عبارتند از: ملاحظات مالی (تجهیز، تخصیص و ماهیت بنگاه های فعال در این بازار) چیست؟ با توجه به قانون بانکداری بدون ربا، ملاحظات فقهی-حقوقی (روش وام دهی، نوع وثایق و عقود و نحوه استفاده از آن ها) چیست؟ با توجه به تقسیم بندی نیازهای فقرا (به سه دسته چرخه زندگی، نیازهای اضطراری و فرصت ها) آیا در بعد اجرایی نیاز به بسترسازی وجود دارد؟ همچنین نحوه گزارش دهی چگونه است؟ که با پرسش از اساتید دانشگاهی حاضر در ارگان ها و سازمان های مرتبط، به استخراج این عوامل پرداخته ایم. ساختار این مقاله به این ترتیب است که پس از مقدمه به بیان ادبیات نظری و تجربی تحقیق پرداخته شده و بعد از مروری بر روش شناسی تحقیق، به بیان نتایج پرداخته شده است. در پایان نیز ضمن جمع بندی، پیشنهادات ارائه شده است.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- ادبیات نظری

برنامه های تامین مالی خرد در نیمه دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد، بنابراین، می توان تامین مالی خرد را یک پدیده نوظهور دانست. ظهور و گسترش سریع تامین مالی خرد می تواند نتیجه ضعیف استراتژی های قبلی توسعه و به طور خاص استراتژی های مربوط به توسعه مالی باشد. با تدارک خدمات مالی برای مردم فقیر بر پایه خویش مالی، تامین مالی خرد توانست بر مشکلات عمده تمامی رویکردهای بعد از جنگ جهانی دوم در مورد توسعه مالی غلبه کند. از جمله این مشکلات، به عنوان مثال یکی محرومیت بخش فقیر جامعه از دسترسی به خدمات مالی و دیگری وابستگی مداخلات سیاسی به کمک هزینه و یارانه و در نتیجه مواجهه با پایداری مالی کم بود (مارکوس، پورتر و هارپر، ۱۹۹۹: ص ۱۵ و ۱۶).

در طول دهه ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰، استراتژی متداول توسعه بر پایه مدل نوگرایی وجود داشت که رشد اقتصادی را هدف اصلی توسعه می دانست و به صنعتی شدن و سرمایه گذاری در مقیاس وسیع به عنوان موتورهای رشد می نگریست (ثوریکه، ۲۰۰۰: ص ۲۳-۱۹). در این دوره، توسعه مالی بیشتر با سرمایه گذاری در پروژه های زیرساختی، مانند راه آهن، برق و ارتباطات همراه بود. بنابراین، اثر چکه ای مورد انتظار ناشی از پروژه های سرمایه گذار برای تعداد بسیار زیادی از فقرای کشورهای در حال توسعه محقق نشد، زیرا

بیشتر سرمایه در پروژه‌های غیرسودآور هرز رفت یا به وسیله منتخبان فاسد مصرف شد (بادرو، ۱۹۹۸: ص ۴-۳).

واقعیت رشد فقر و عدم تساوی در پایین‌ترین کشورهای در حال توسعه منجر به تغییرات عمده‌ای در استراتژی توسعه در آغاز دهه ۱۹۷۰ شد. ویژگی این خط‌مشی، افزایش تخصیص منابع به مناطق غفلت‌شده قبلی از توسعه روستایی و کشاورزی بود. دهه ۱۹۷۰ همچنین شاهد موجی از برنامه‌های اعتبار دولتی به بخش‌های روستایی بود. هدف این برنامه‌های کمک‌هزینه، ترقی دادن معیشت و کشاورزی خرد مقیاس و در نتیجه مبارزه با فقر روستایی بود (بادرو ۱۹۹۸: ۴). اما برنامه‌های اعتبار روستایی کمک هزینه به‌طور گسترده‌ای در کاهش اختلاف درآمدی و نیز کاهش فقر در مناطق روستایی با شکست روبه‌رو شدند. این برنامه‌ها همچنین باعث شدند که این ذهنیت گمراه‌کننده که تدارک خدمات مالی برای فقرا نمی‌تواند سودآور باشد، برای مدت طولانی در اذهان ایجاد شود. عملکرد ضعیف برنامه‌های اعتباری روستایی کمک هزینه باعث انعکاس این امر شد که نرخ بازپرداخت حدود ۷۵ درصد در آن زمان به‌عنوان یک موفقیت تلقی شود. در نتیجه، اغلب برنامه‌ها، پایدار نبودند و بعد از تحمل زیان‌های سنگین از بین رفت (مرتضوی‌فر، ۱۳۸۸).

تمامی استراتژی‌های توسعه توزیع مجدد و نیازهای انسانی اساسی شامل برنامه‌های اعتباری روستایی با سیاست‌های تعدیل ساختاری در دهه ۱۹۸۰ جایگزین شد. بحران بدهی‌ها و بالا گرفتن نئولیبرالیسم در جهان غرب، کشورهای در حال توسعه را وادار کرد که اصلاحاتی در ایجاد بازار آزاد و حداقل‌سازی فعالیت‌های دولت در بسیاری از بخش‌ها صورت دهند (توریکه، ۲۰۰۰: ۳۷).

در این مفهوم، استراتژی توسعه دهه ۱۹۸۰ نه تنها با ترویج ارائه اعتبار بر پایه بازار، بلکه با اثرات منفی سیاست‌های تعدیل ساختاری بر فقر و نابرابری شهر و روستا، تقویت‌کننده ایده تامین مالی خرد بود (بادرو، ۱۹۹۸: ۵). این مساله همچنین در منظری وسیع‌تر از توسعه در اهداف توسعه هزاره به‌عنوان چارچوب جاری توسعه، نمود یافته است. ریشه‌کن‌سازی فقر و توانمندسازی زنان به‌عنوان دو هدف از هشت هدف هزاره نمونه‌ای از تاکید بر فاکتورهای اجتماعی و انسانی توسعه است که به‌وسیله تامین مالی خرد پشتیبانی می‌شود. بنابراین، نهضت تامین مالی خرد از میان تعارض ایده‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف که تا به امروز نیز تامین مالی خرد را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند، بروز یافته است. امروزه

تامین مالی خرد، هم به وسیله ایدئولوژی نئولیبرال پشتیبانی می شود و هم به وسیله طرفداران دیدگاه از پایین به بالا (مردوچ، ۱۹۹۹: ۱۵۷).

علت محبوبیت کنونی تامین مالی خرد این است که توانسته است بر شکست استراتژی های قبلی توسعه از طریق دو ابتکار مهم غلبه کند، حذف وثیقه با معرفی جایگزینی مانند قراردادهای وام دهی گروهی که مشکل محرومیت فقرا از دسترسی به خدمات مالی را رفع کرده است، تامین مالی خرد به علت توسعه تکنیک های ویژه و مطالبه هزینه بالاتر بر پایه نرخ بهره بازار که ثابت کرده است خدمات مالی با هدف گیری فقرا می تواند سودآور باشد. ایده وام دهی گروهی برای اولین بار توسط بانک گرامین بنگلادش معرفی شد که به عنوان نمونه اولیه موسسات تامین مالی خرد شناخته می شود. مدل بانک گرامین بارها مورد استفاده قرار گرفته است و هنوز هم به کار می رود و اثرات زیادی بر بحث تامین مالی خرد امروزه دارد. به طور کلی، تامین مالی خرد برخلاف استراتژی های قبلی توسعه مالی، به نرخ بازپرداختی به طور متوسط بالاتر از ۹۰ درصد دست یافته است (مرتضوی فر، ۱۳۸۸: ۴۶).

۲-۲- ادبیات تجربی

در تحقیق حاضر^۱ پژوهش های تجربی بسیار زیادی جهت استخراج عوامل موثر بر تامین مالی خرد (از سرتاسر دنیا: تیمور شرقی تا ایالات متحده) مورد مطالعه قرار گرفته اند، اما برای تلخیص و دوری از فرسایش قلم، این تحقیقات در جدول (۱) و جدول (۲) خلاصه شده اند. به طور کلی می توان این تحقیقات را در سه دسته ۱- آثار و جنبه های تامین مالی خرد، ۲- نهادها و ساختارهای تامین مالی خرد و ۳- تامین مالی خرد اسلامی جای داد.

۳- روش تحقیق، نحوه استخراج پرسشنامه، کیفیت تحقیق و جامعه پژوهش

۳-۱- روش شناسی تحقیق

منظور از روش علمی تحقیق، مجموعه قواعد و رویه هایی است که محقق برای جمع آوری حقایق و واقعیت ها دنبال می کند تا سپس آن ها را تفسیر، تبیین و اثبات کند. یکی از روش های کسب دانش گروهی، تکنیک دلفی است (ایمانی جاجرمی ۱۳۷۹) که دارای

۱- تحقیق حاضر از پایان نامه کارشناسی ارشد با همین عنوان در دانشگاه علامه طباطبائی استخراج شده است.

۲۰۴ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۵، تابستان ۱۳۹۶

جدول (۱) - تحقیقات خارجی

دسته‌بندی تحقیقات	پژوهش‌های مورد استناد
آثار و جنبه‌های تامین مالی خرد	اوکپارا (۲۰۱۰)، بکچتی و کاستریتا (۲۰۱۱)، دیلوچ و لاماننا (۲۰۱۱)، کریون، دی ووتو، دافلو و پاریه نته (۲۰۱۱)، منخوف و رانگ روکسیری وارن (۲۰۱۱)، نوداماتیا، گیروه و شیهو (۲۰۱۰)، اوکاسیو (۲۰۱۲)، الکترین و همکاران (۲۰۱۳)، جیا، خیانگ و هوآنگ (۲۰۱۳)، رینگ وست (۲۰۱۳)، ریواجانتی (۲۰۱۴)، کایرتی و ساکوا (۲۰۱۴) و وبر و احمد (۲۰۱۴)
نهادهای ساختارهای تامین مالی خرد	رادرفورد (۲۰۰۰)، کارلاین (۲۰۰۲)، مارجو (۲۰۰۷)، گالیمبا، لینسیک و اسپیردیجک (۲۰۱۱)، پلیگرینا (۲۰۱۱)، هرمس، لنسینک و میستر (۲۰۱۱)، کاسان، گانگادهاران و مایترا (۲۰۱۲)، سروین، لینسینک و برگ (۲۰۱۲)، کاسون و همکاران (۲۰۱۲) مالک (۲۰۱۲)، چودهوری و موخو پادهایا (۲۰۱۲)، خاندکر (۲۰۱۲)، لی و ماسون (۲۰۱۲)، توگبا (۲۰۱۲)، ساگامبا، چتینین و یوسفوو (۲۰۱۳)، رابرتس (۲۰۱۳)، کاتلر و المازان (۲۰۱۳)، ویرنری و هورنل (۲۰۱۳)، کوندونگو و کندی (۲۰۱۳)، کرنه و مسکلت (۲۰۱۳)، مرسلند و هارتارسکا، شن (۲۰۱۳)، جانگ (۲۰۱۳)، لانبورگ و راسموسن (۲۰۱۴)، گینه و کارلان (۲۰۱۴)، سرانو-سینسا و گوتیرز-نیتو (۲۰۱۴)، هودان و پقیلوکس (۲۰۱۴)، باری و تاکنگ (۲۰۱۴) و رجبانشی، هوآنگ و ویدیک (۲۰۱۵)
تامین مالی خرد اسلامی	رحمان (۲۰۱۰)، حسن زاده و میثمی (۲۰۱۲)، جاباخیل (۲۰۱۲)، القمی و کراسان (۲۰۱۳) و الکمال، القمی، کارلان و عثمان (۲۰۱۴)

جدول (۲) - تحقیقات داخلی

دسته‌بندی تحقیقات	پژوهش‌های مورد استناد
آثار و جنبه‌های تامین مالی خرد	ابونوری و قاسمی-تازه‌آبادی (۱۳۸۶)، رحمانی-فضلی و کاویانی (۱۳۸۸)، مرتضوی‌فر (۱۳۸۸)، علاءالدینی و جلالی موسوی (۱۳۸۹)، فعالیت و خارقانی (۱۳۹۰)، چرمچیان لنگرودی و علی بیگی (۱۳۹۲) و علیرضائزاد (۱۳۹۲)
نهادهای ساختارهای تامین مالی خرد	حسن زاده، ازوجی و قوبدل (۱۳۸۵)، حسینی، خالدی، قربانی، و حسن‌پور (۱۳۸۸)، حسینی، خالدی و قربانی (۱۳۸۹)، عیسی زاده (۱۳۸۹)، ورمزیاری، کلاتنری و شعبانعلی فمی (۱۳۸۹)، ابراهیمی و باغستانی میبلی (۱۳۹۰)، قضاوی، کیانی زاده، ملاکریمی و موهبتی (۱۳۹۰)، یزدانی (۱۳۹۰)، جمشیدی، جندقی و تهرانی (۱۳۹۳) و شهیدی نصب (۱۳۹۳)
تامین مالی خرد اسلامی	حسن زاده (۱۳۸۹)، میسمی و شهیدی‌نسب (۱۳۸۹)، عبداللهی و میسمی (۱۳۹۰)، مصباحی مقدم، میسمی، عبداللهی و قائمی اصل (۱۳۹۰)، بیدار (۱۳۹۱)، میسمی، حسن زاده و شهیدی‌نسب (۱۳۹۱) و محقق‌نیا (۱۳۹۲)

ساختاری برای پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری در راندهای پیمایشی، جمع‌آوری اطلاعات و در نهایت اجماع گروهی است (کندی ۲۰۰۴ و دآن‌هام ۱۹۹۶). در حالی که اکثر پیمایش‌ها سعی در پاسخ به سوال «چه هست» دارند، دلفی به سوال «چه می‌تواند/چه باید باشد» پاسخ می‌دهد (پال ۲۰۰۳).

به اعتقاد ادلر و زگیلیو (۱۹۹۶)، دلفی ابزار ارتباطی سودمندی بین گروهی از خبرگان است که فرموله کردن آرای اعضای گروه را آسان می‌کند. برخلاف روش‌های پژوهش پیمایشی، اعتبار روش دلفی نه به شمار شرکت‌کنندگان در پژوهش که به اعتبار علمی متخصصان شرکت‌کننده بستگی دارد.

۳-۲- نحوه استخراج و تدوین پرسشنامه

پرسشنامه بنابه کار مجیدی (۱۳۹۰) به سه قسمت (بعد) تقسیم‌بندی شده است. بخش مالی بنا به محقق‌نیا (۱۳۹۲)، هودان و پقیلوکس (۲۰۱۴) و باری و تاکننگ (۲۰۱۴) به سه بخش تجهیز، تخصیص و ماهیت نگاه‌ها تقسیم‌بندی شده‌اند. بعد (ملاحظات) فقهی - حقوقی بنابه کاسان و همکاران (۲۰۱۲) و باباجانی و شکرخواه (۱۳۹۱) دارای دو مولفه ارکان قراردادها و قوانین و مقررات است. ملاحظات اجرایی به دو بخش الگوی عملیاتی و گزارش‌دهی تقسیم شده‌اند که این تقسیم‌بندی بیشتر حاصل کار سرانوسینسا و گوتیرزیتو (۲۰۱۴) و باباجانی و شکرخواه (۱۳۹۱) است.

۳-۳- کیفیت تحقیق

کیفیت تحقیق با دو معیار، روایی و پایایی سنجیده می‌شود. اعتبار محتوا، ویژگی ساختاری ابزار اندازه‌گیری است که همزمان با تدوین آزمون در آن تنیده می‌شود. برای این منظور پرسشنامه‌ای متناظر با ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های موضوع تحقیق طراحی شد و اعتبار محتوای این پرسش‌نامه توسط برخی از پاسخ‌دهندگان (متخصصان در توزیع اولیه و دریافت بازخورد و اعمال اصلاحات مدنظر آنان) موردتایید قرار گرفت.

پایایی یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری شیوه‌های مختلفی به کار برده می‌شود. از آن جمله می‌توان به ضریب آلفای کرونباخ اشاره کرد. به‌طور معمول آلفای کرونباخ کمتر از ۰/۶ پایایی

۲۰۶ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۵، تابستان ۱۳۹۶

ضعیف، ۰/۶ تا ۰/۸ قابل قبول و بالاتر از ۰/۸ نشان دهنده پایایی بالا است. بدیهی است که هر چه این عدد به یک نزدیک تر باشد، بهتر است. با استفاده از داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه‌های توزیع شده بین متخصصان و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS، میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برای کل سوالات عدد ۰/۸۸۷ به دست آمد. این عدد نشان دهنده آن است که پرسش‌نامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر، از پایایی لازم برخوردار است. این مساله در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳) - بررسی پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ

تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
۳۲	۰/۸۸۷

۳-۴- جامعه آماری پرسشنامه

از آنجا که هدف از روش دلفی به دست آوردن اجماع بین نخبگان در یک رشته است، این پرسشنامه بین اعضای هیات علمی دانشگاه‌های مختلف و متخصصان فن توزیع شد. از جمله این گروه‌ها می‌توان به اعضای هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، اعضای هیات علمی رشته اقتصاد دانشگاه مفید، اعضای هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی و اعضای هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران اشاره کرد. از ۳۳ پرسشنامه‌ای که بین خبرگان در گروه‌های ذکر شده توزیع شد ۳۱ پرسشنامه برگشت داده شده و مورد استفاده قرار گرفت.

در انتخاب اعضای پانل نخبگان در دلفی از ملاک‌های زیر استفاده شده است (دلفی ملاک محور):

- ۱) اعضای هیات علمی که یکی از زمینه‌های مورد مطالعه آن‌ها تامین مالی خرد باشد. یا
- ۲) اعضای هیات علمی که یکی از زمینه‌های مورد مطالعه آن‌ها فقر باشد. یا
- ۳) اعضای هیات علمی که یکی از زمینه‌های مورد مطالعه آن‌ها اقتصاد اسلامی باشد. یا
- ۴) اعضای هیات علمی که یکی از زمینه‌های مورد مطالعه آن‌ها توزیع درآمد باشد. یا
- ۵) اعضای هیات علمی که یکی از زمینه‌های مورد مطالعه آن‌ها توسعه انسانی باشد.

۴- نتایج (شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد در ایران)

در این بخش با تفکیک و بررسی هر یک از سه بعد پرسشنامه به مولفه‌های آن و ارزیابی شاخص‌ها، نظر نخبگان در باب هر یک از مولفه‌ها و شاخص‌ها استخراج شده است.

۴-۱- بعد مالی

۴-۱-۱- تجهیز

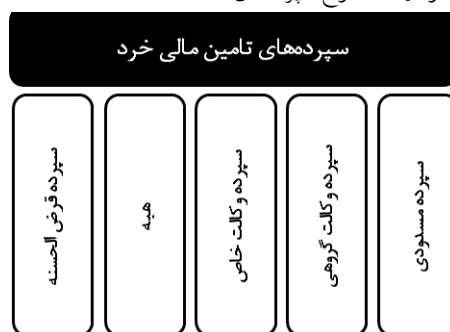
سوالات ۱ تا ۵ مربوط به نحوه تجهیز (انواع سپرده‌ها و کیفیت آن‌ها) است. در جدول (۴) میزان موافقت یا مخالفت برای هر سوال نشان داده شده است.

جدول (۴)- بعد مالی - بخش تجهیز

سوال/گزینه	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق
سوال ۱	۰	۳/۲	۱۲/۹	۵۸/۱	۲۵/۸
سوال ۲	۰	۶/۵	۹/۷	۶۴/۵	۱۹/۴
سوال ۳	۰	۰	۳/۲	۲۵/۸	۷۱/۰
سوال ۴	۰	۰	۳/۲	۲۲/۶	۷۴/۲
سوال ۵	۰	۳/۲	۱۲/۹	۶۱/۳	۲۲/۶

براساس جدول (۴)، ۸۳/۹ درصد از نخبگان معتقدند (یا موافقت یا کاملاً موافقت) ارائه سپرده‌های قرض‌الحسنه و وکالت جهت پوشش اهداف سپرده‌گذاران مناسب است، ۸۳/۹ درصد معتقدند موسسات و بانک‌های تامین مالی خرد نیازی به ارائه سپرده‌های سودده ندارند، ۹۶/۸ درصد وقف (هبه مشروط و غیرمشروط) را جهت بهبود و تقویت منابع بانک‌ها و موسسات تامین مالی خرد مناسب می‌دانند. ۹۶/۸ درصد از نخبگان وکالت گروهی (جهت حمایت از گروه و قشر خاص) و وکالت خاص (جهت حمایت از صنعت-کسب و کار خاص) در بانک‌ها و موسسات تامین مالی خرد را مثبت ارزیابی کرده‌اند و ۸۳/۹ درصد آنان جهت افزایش فرهنگ پس‌انداز (میان فقرا) ارائه سپرده‌های مسدودی (تا سقف یا زمان خاص) در بانک‌ها و موسسات تامین مالی خرد را مناسب می‌دانند. بنابراین، می‌توان سپرده‌های موسسات و بانک‌های تامین مالی خرد را به صورت نمودار (۱) نشان داد.

نمودار (۱) - انواع سپرده‌های مدل



۴-۱-۲- تخصیص

سوالات ۶ تا ۱۰ مربوط به تخصیص (موارد مصرف تسهیلات) است. در جدول (۵) میزان موافقت یا مخالفت برای هر سوال نشان داده شده است.

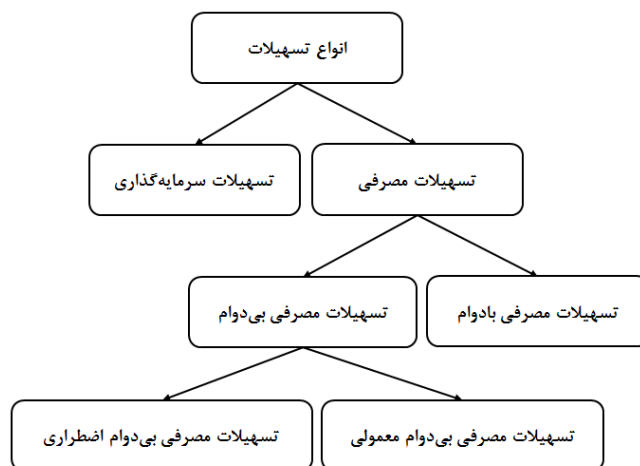
جدول (۵) - بعد مالی - تخصیص

سوال/گزینه	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
سوال ۶	۰	۰	۰	۱۹/۴	۸۰/۶
سوال ۷	۰	۰	۶/۵	۶۱/۳	۳۲/۳
سوال ۸	۰	۰	۹/۷	۶۱/۳	۲۹/۰
سوال ۹	۹/۷	۴۸/۴	۲۲/۶	۱۶/۱	۳/۲
سوال ۱۰	۰	.	۳/۲	۱۲/۹	۸۳/۹

براساس جدول (۵)، تمامی متخصصان با تقسیم تسهیلات به دو دسته مصرفی و تولیدی اعلام موافقت کرده‌اند، ۹۳/۵ درصد از کل نخبگان معتقد به تقسیم تسهیلات مصرفی به دو دسته عادی و اضطراری هستند، ۹۰/۳ درصد با نظر یونس (۱۳۹۳) مبنی بر تمرکز بر تسهیلات اشتغال‌زایی تا تسهیلات مصرفی هم عقیده‌اند تنها ۱۹/۳ درصد از پرسش‌شوندگان با تمرکز تسهیلات اشتغال‌زایی بر فعالیت‌های صنعتی و خدماتی موافقت و بنابراین، می‌توان گفت نخبگان معتقداند که تسهیلات باید به هر سه بخش (کشاورزی، صنعت

و خدمات) تخصیص یابند و ۹۶/۸ درصد از مصاحبه‌شوندگان موافق ارائه تسهیلات بدون شرط سپرده‌گذاری می‌باشند. لذا نظرات نخبگان در این بخش را در قالب نمودار (۲) خلاصه می‌شود.

نمودار (۲)- انواع تسهیلات مدل



۴-۱-۳- ماهیت بنگاه‌ها

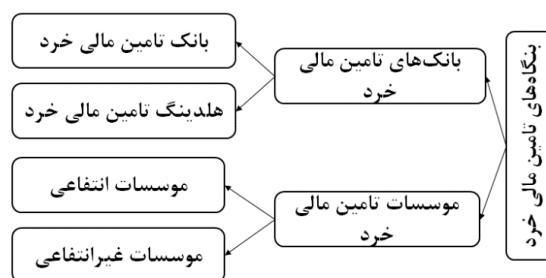
سوالات ۱۱ تا ۱۵ مربوط به ماهیت (انتفاعی یا غیرانتفاعی بودن و بانک یا موسسه مالی) بنگاه‌های فعال در بازار تامین مالی خرد است. در جدول (۶) میزان موافقت یا مخالفت برای هر سوال نشان داده شده است.

جدول (۶)- بعد مالی-ماهیت بنگاه‌ها

سوال/گزینه	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
سوال ۱۱	۰	۰	۰	۹/۷	۹۰/۳
سوال ۱۲	۰	۰	۰	۲۹/۰	۷۱/۰
سوال ۱۳	۰	۰	۳/۲	۲۵/۸	۷۱/۰
سوال ۱۴	۰	۳/۲	۳/۲	۶۴/۵	۲۹/۰
سوال ۱۵	۰	۳/۲	۳/۲	۷۱/۰	۲۲/۶

براساس جدول (۶)، تمامی نخبگان به حضور موسسات تامین مالی خرد در کنار بانک‌ها باور دارند همچنین همه متخصصان با حضور موسسات و بانک‌های غیرانتفاعی در کنار انواع انتفاعی آن هم نظر هستند، ۹۶/۸ با این گزاره که بانک‌ها نسبت به موسسات مالی در ارائه خدمات غیرانتفاعی ضعیف‌ترند، اعلام موافقت کرده‌اند، ۹۳/۶ درصد معتقدند حضور هلدینگ‌ها (و بانک‌های تجاری بین‌المللی) با شاخه تامین مالی خرد موجب بهبود بازار (از جهات پایداری، دسترسی و گروه هدف) می‌شود و همچنین آنان به همین میزان (۹۳/۶ درصد) موافق حضور بانک‌های دولتی هستند. بنابراین، می‌توان ماهیت بنگاه‌ها را به صورت نمودار (۳) نمایش داد.

نمودار (۳) - ماهیت بنگاه‌های مدل



۴-۲- ملاحظات فقهی-حقوقی

۴-۲-۱- ارکان قراردادها

این قسمت به دو قسمت وثیقه و روش وام‌دهی تقسیم شده است که در ارتباط تنگاتنگی با هم هستند. نحوه وام‌دهی نوع وثیقه را تعیین می‌کند و نوع وثائق می‌تواند روش‌های وام‌دهی را مشخص کند. سوالات ۱۶ تا ۲۰ مربوط به تعیین نوع وثائق و روش‌های وام‌دهی بنگاه‌های فعال در بازار تامین مالی خرد است. در جدول (۷) میزان موافقت یا مخالفت برای هر سوال نشان داده شده است.

جدول (۷) بیانگر موافقت ۸۳/۹ درصدی با استفاده از مسئولیت مشترک به عنوان وثیقه است، این موافقت در کنار آمار ۹۶/۸ درصدی اعتقاد به کاهش دسترسی در صورت استفاده از وثائق منقول و یا ضامن معتبر برای تضمین وام‌های بانک‌ها و موسسات تامین مالی

۲۱۱ شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد در ایران

خرد نشانگر اهمیت جایگاه وام‌دهی گروهی است که در کنار ۶۱/۳ درصد توافق با وام‌دهی گروهی محض و ۷۱ درصد عدم موافقت با وام‌دهی فردی محض و نیز موافقت ۱۰۰ درصدی با ترکیب وام‌دهی گروهی و فردی، مویده نتایج کوندونگو و کندی (۲۰۱۳) است.

جدول (۷) - بعد فقهی و حقوقی - ارکان قراردادها

سوال/گزینه	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
سوال ۱۶	۰	۰	۱۶/۱	۷۱/۰	۱۲/۹
سوال ۱۷	۰	۰	۳/۲	۲۲/۶	۷۴/۲
سوال ۱۸	۰	۳/۲	۳۵/۵	۵۴/۸	۶/۵
سوال ۱۹	۰	۰	۷۱/۰	۲۲/۶	۶/۵
سوال ۲۰	۰	۰	۰	۹/۷	۹۰/۳

۴-۲-۲- قوانین و مقررات

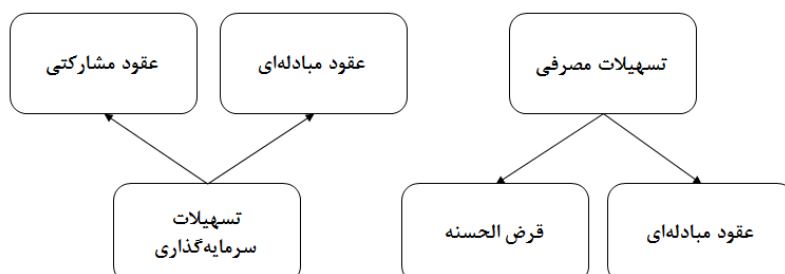
این بخش همچون بخش پیشین دارای دو زیر مجموعه است که در یک سرفصل قرار گرفته‌اند؛ سوالات ۲۱ و ۲۲ مربوط به تجهیز و ۲۳ و ۲۴ مربوط به تخصیص تحت قانون بانکداری بدون ربا است.

جدول (۸) - بعد فقهی و حقوقی - قوانین و مقررات

سوال/گزینه	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
سوال ۲۱	۰	۳/۲	۹/۷	۶۷/۷	۱۹/۴
سوال ۲۲	۰	۰	۳/۲	۶/۵	۹۰/۳
سوال ۲۳	۰	۰	۰	۱۶/۱	۸۳/۹
سوال ۲۴	۰	۳/۲	۶/۵	۶۱/۳	۲۹/۰

به‌طور کلی قراردادها و عقود شرعی به دو دسته انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم می‌شوند. براساس جدول (۸)، خبرگان با تمامی گزاره موافق هستند. بنابراین، می‌توان عقود مورد استفاده در بخش تجهیز را به‌صورت نمودار (۴) نشان داد.

نمودار (۴) - استفاده عقود بانکداری بدون ربا در مدل



۴-۳- ملاحظات اجرایی

۴-۳-۱- ریسک و فناوری اطلاعات

سوالات ۲۵ تا ۲۷ مربوط به نحوه مدیریت ریسک و فناوری اطلاعات است. در جدول (۹) میزان موافقت یا مخالفت برای هر سوال نشان داده شده است.

جدول (۹) - ملاحظات اجرایی - ریسک و فناوری اطلاعات

سوال/گزینه	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
سوال ۲۵	۰	۰	۰	۱۹/۴	۸۰/۶
سوال ۲۶	۰	۰	۳/۲	۱۹/۴	۷۷/۴
سوال ۲۷	۰	۰	۳/۲	۶/۵	۹۰/۳

جدول (۹) بیانگر اهمیت فناوری اطلاعات در عرصه مالی و به‌ویژه در بخش تامین مالی خرد است، زیرا تمامی شاخص‌ها بالای ۹۵ درصد موافقت وجود دارد. بنابراین، به نظر متخصصان ایرانی وجود بخش فناوری اطلاعات و مدیریت ریسک در نهادهای تامین مالی خرد ضرورت دارد.

۴-۳-۲- بستر سازی

یکی از ویژگی‌هایی که تامین مالی خرد را از وام‌های کوچک سایر موسسات و بانک‌ها تجاری متفاوت می‌کند، وجود سازمانی جهت نظارت بر فرایند تشکیل گروه‌ها و نیز

۲۱۳ شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد در ایران

تقویت ارتباط بانک با مشتریان و نیز مشتریان با هم است. علاوه بر این، تشکیل نهادهایی جهت رفع موانع کسب و کار در اکثر نهادهای تامین مالی خرد واقعی دیده می شود. در این بخش (سوالات ۲۸ تا ۳۰) نظر متخصصان ایرانی را جویا شده ایم.

جدول (۱۰) - ملاحظات اجرایی - بسترسازی

سوال/گزینه	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
سوال ۲۸	۰	۰	۰	۵۸/۱	۴۱/۹
سوال ۲۹	۰	۰	۰	۱۹/۴	۸۰/۶
سوال ۳۰	۰	۰	۰	۱۶/۱	۸۳/۹

لذا با توجه به جدول (۱۰) می توان نتیجه گرفت که متخصصان ایرانی از اهمیت نهادهای بستر ساز در تامین مالی خرد مطلع هستند و نیاز آن ها در کشور حس می شود.

۴-۳-۳- گزارش دهی

از جدول (۱۱) بر می آید که متخصصان ایرانی به گزارش تفکیکی تسهیلات بر اساس موارد مصرف و نیز عقود مورد استفاده اصرار دارند.

جدول (۱۱) - ملاحظات اجرایی - گزارش دهی

سوال/گزینه	کاملاً مخالف	مخالف	بی نظر	موافق	کاملاً موافق
سوال ۳۱	۰	۰	۰	۳/۲	۹۶/۸
سوال ۳۲	۰	۰	۰	۱۹/۴	۸۰/۶

۵- جمع بندی، پیشنهادهای سیاستی و مطالعه بیشتر

۵-۱- جمع بندی

در تحقیق حاضر به دنبال شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد مقاومتی در ایران با مطالعات تحقیقات داخلی و خارجی، ابعاد، مولفه ها و شاخص های تامین مالی خرد استخراج شد و به کمک پرسشنامه دلفی به معرض نظر نخبگان قرار داده شد. بعد مالی به سه بخش تجهیز، تخصیص و ماهیت نهادهای تامین مالی خرد تقسیم شده است. در بخش تجهیز، سپرده ها شامل سپرده های قرض الحسنه، هبه، وکالت خاص -

گروهی و سپرده مسدودی (پس انداز) هستند؛ که نتایج موید کارهای محققینا (۱۳۹۲)، حسن زاده (۱۳۸۹)، مصباحی مقدم و همکاران (۱۳۹۰) و مظهر (۲۰۱۰) است.

در بخش تخصیص، تسهیلات به دو دسته عمده تسهیلات مصرفی و تسهیلات تولیدی تقسیم شده‌اند؛ تسهیلات مصرفی خود به تسهیلات مصرفی عادی و تسهیلات مصرفی اضطراری تقسیم شده‌اند. نتایج با تحقیقات رادرفورد (۲۰۰۰)، هلمز (۲۰۰۶)، یونس (۲۰۰۵) و حسن زاده (۱۳۸۹) همخوانی دارد. همچنین نتایج تحقیق حاکی از تایید نظر لانبورگ و راسموسن (۲۰۱۴) در باب اشکال تسهیلات دهی به شرط سپرده گذاری است. نتایج این تحقیق با نتایج پالیگیرنا (۲۰۱۱) همخوانی ندارد.

در بخش ماهیت بنگاه‌ها نتایج حاکی از تقسیم بنگاه‌های فعال در بازار تامین مالی خرد به دو دسته عمده بانک‌ها و موسسات مالی است؛ که بانک‌ها به دو دسته بانک‌های تجاری و هلدینگ‌های مالی با شاخه تامین مالی خرد و موسسات به دو دسته انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم می‌شوند. این نتایج با کارهای جانگ (۲۰۱۳)، هودان و پقیلوکس (۲۰۱۴) و باری و تاکننگ (۲۰۱۴)، سرانو- سینسا و گوتیرز- نیتو (۲۰۱۴) و گالیم و همکاران (۲۰۱۱) همراستا است. همچنین نظر پلیگیرنا (۲۰۱۱) و چودهوری و موخوپادایا (۲۰۱۲) مبنی بر حضور بانک‌های دولتی در بازار تامین مالی خرد مورد تایید واقع شده است.

بعد فقهی- حقوقی به دو بخش ارکان قراردادهای و قوانین- مقررات تقسیم شده است. در بخش ارکان قراردادهای نتایج حاکی از تایید نظر یونس (۲۰۰۵) در باب استفاده از مسئولیت مشترک به عنوان وثیقه است و نیز استفاده از روش وام‌دهی ترکیبی گروهی انفرادی نسبت به روش انفرادی به‌طور قوی مورد تاکید قرار گرفته است. این نتایج با کاسان و همکاران (۲۰۱۲)، کوندونگو و کندی (۲۰۱۳) همخوانی دارد و کار کرنه و مسکلت (۲۰۱۳) مورد تایید نیست. در بخش قوانین و مقررات عقود مورد استفاده در بخش تجهیز شامل قرض الحسنه و وکالت است که این عقود در بخش تخصیص شامل قرض الحسنه، مبادله‌ای و مشارکتی است.

در بعد اجرایی نتایج تحقیقات سرانوسینسا و گوتیرزینتو (۲۰۱۴) و جانگ (۲۰۱۳) مبنی بر استفاده از فناوری اطلاعات به جهت مدیریت ریسک، قویا تایید شده است. نتایج کارهای یونس (۱۹۹۹)، میسمی و همکاران (۱۳۹۱) و حسینی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در

باب بسترسازی و مدیریت گروه ها مورد تاکید است. در بخش گزارش دهی کارهای یونس (۱۹۹۹) و باباجانی و شکرخواه (۱۳۹۱) مورد تاکید قرار گرفته اند.

۲-۵- پیشنهادهای سیاستی

براساس نتایج این تحقیق پیشنهاد می شود:

- ۱- موسسات و بانک های تامین مالی خرد از سایر موسسات مالی، پولی و اعتباری تفکیک و آیین نامه مخصوص به خود را داشته باشند.
- ۲- علاوه بر سپرده قرض الحسنه، امکان سپرده های هبه، وکالت خاص-گروهی و سپرده مسدودی (پس انداز) نیز فراهم شود.
- ۳- تسهیلات به ۲ بخش عمده مصرفی و تولیدی تقسیم شوند؛ تسهیلات مصرفی نیز خود به ۲ دسته عادی و اضطراری تفکیک شوند.
- ۴- استفاده ترکیبی از وام دهی فردی و گروهی با تقدم زمانی وام دهی گروهی بر نوع فردی مورد توجه باشد.
- ۵- تبیین و تهیه سامانه الکترونیکی ملی تسهیلات.
- ۶- طراحی و ایجاد نهادها و بخش های فعال در موسسات و بانک های تامین مالی خرد به جهت بسترسازی و تسهیل امور مشتریان.
- ۷- گزارش تفکیکی عملکرد بر اساس نوع تسهیلات و نوع عقود مورد استفاده.

۳-۵- پیشنهادها برای مطالعه بیشتر

با توجه به نتایج تحقیق، موارد زیر برای مطالعات بیشتر پیشنهاد می شود:

- ۱- طراحی سیستم نرم افزاری تامین مالی خرد تا موجب شفافیت و تقارن اطلاعاتی بیشتر شود و از مخاطرات اخلاقی جلوگیری کند.
- ۲- بررسی نقش دولت در تامین مالی خرد و طراحی سازوکاری که از دخالت فعالانه دولت در تامین مالی خرد پیش گیری کند تا مانع از مشکلات و گره هایی که بر اثر دخالت دولت ممکن است به وجود آید، بشود.
- ۳- طراحی ساختمان و سازمان بخش کارآفرینی در بانک ها و هلدینگ های تامین مالی خرد به گونه ای که مازاد رفاه جامعه را حداکثر کند.

- ۴- بررسی تاثیر اقتصادی توسعه و افزایش تامین مالی خرد بر ساختار بازار و شفافیت و تقارن اطلاعاتی آن.
- ۵- بررسی تاثیر توسعه و افزایش تامین مالی خرد بر تورم، رشد اقتصادی و نقدینگی در ایران.
- ۶- محاسبه مقدار بهینه تامین مالی خرد در اقتصاد ایران از نظرگاه تاثیر آن بر تقاضای مصرفی در ایران.
- ۷- محاسبه مقدار بهینه تامین مالی خرد در اقتصاد ایران از نظرگاه تاثیر آن بر تقاضای سرمایه گذاری در ایران.
- ۸- بررسی تاثیر تامین مالی خرد بر ساختار اجتماعی در ایران و جایگاه دولت در آن.

منابع

الف- فارسی

- آرمنداریز، در آگیون بیتریز و مرداک جانانتان (۱۳۹۱)، *اقتصاد تامین مالی خرد*، تهران. انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی.
- ابراهیمی، سجاد و مسعود باغستانی میبدی (۱۳۹۰)، «مقایسه بانک تجاری و نهاد قرض الحسنه در حوزه تامین مالی خرد»، *مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی*، شماره ۱۱، ۷۳-۸۸.
- ابونوری، اسماعیل و افسانه قاسمی تازه آبادی (۱۳۸۶)، «ارزیابی اثر ارزش افزوده قرض الحسنه بر توزیع درآمد با استفاده از داده های پانل بین استانی»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۸، ۱۳۹-۱۴۶.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۷۹)، «آشنایی با روش دلفی و کاربرد آن در تصمیم گیری»، *مجله مدیریت شهری*، شماره ۱، ص ۳۵-۳۹.
- باباجانی، جعفر و جواد شکرخواه (۱۳۹۱)، «مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در ایران با تأکید بر عقود مشارکتی»، *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۱۷، سال پنجم. ۱۶۳-۱۹۲.

شناسایی عوامل موثر بر تامین مالی خرد در ایران ۲۱۷

- بیدار، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی کارمزد قرض الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی»، معرفت اقتصادی، سال چهارم، شماره اول، پیاپی هفتم، ۹۷ - ۱۱۴.
- جمشیدی، ناصر، غلامرضا جندقی و رضا تهرانی (۱۳۹۳)، «مدل‌سازی علل معوق شدن تسهیلات قرض الحسنه در بانک قرض الحسنه مهر ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال چهارم، شماره ۳، ۱۵۹-۱۷۸.
- چرمچیان لنگرودی، مهدی و امیرحسین علی بیگی (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره ۱، ۱۶۵-۱۹۲.
- حسن زاده، علی (۱۳۸۹)، «الگوسازی مؤسسات و تامین مالی خرد منطبق با قواعد شریعت اسلام»، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۵، ۱۳۱-۱۴۹.
- حسن زاده، علی، علاء الدین ازوجی و صالح قویدل (۱۳۸۵)، «بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی»، اقتصاد اسلامی، سال ششم، ۴۵-۶۹.
- حسینی، سید صفدر، محمد خالدی و محمد قربانی (۱۳۸۹)، «ارزیابی اثر هزینه‌های مبادله بر دسترسی کشاورزان به بازار رسمی اعتبارات در ایران»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هجدهم، شماره ۳۹، ۷۰-۵۴.
- حسینی، سید صفدر، محمد خالدی، محمد قربانی و ابراهیم حسن پور (۱۳۸۸)، «بررسی هزینه‌های مبادله تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی در مناطق روستایی ایران»، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، جلد ۲۳، شماره ۲، ۳۶-۴۵.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا و یونس کاویانی (۱۳۸۸)، «اثر بخشی اعتبارات خرد در بهسازی مساکن روستایی. مورد مطالعاتی: سکونت گاه‌های روستایی شهرستان سقز»، جغرافیا/فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران دوره جدید، سال هفتم، شماره ۲، ۲۹-۴۵.
- شهیدی نصب، مصطفی (۱۳۹۳)، «آسیب شناسی تامین مالی خرد در بانک‌های ایران: درس‌هایی برای طراحی نظام تامین مالی خرد اسلامی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، سال یازدهم، شماره ۲۱، ۹۷-۱۲۴.
- عبداللهی، محسن و حسین میسمی (۱۳۹۰)، «تامین مالی خرد اسلامی و نقش آن در تقویت عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی کشور»، تازه‌های اقتصاد، سال نهم، ۱۳۲، ۱۲۲-۱۳۲.

۲۱۸ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۵، تابستان ۱۳۹۶

علاء الدینی، پویا و سارا جلالی موسوی (۱۳۸۹)، «ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران»، توسعه روستایی، دوره دوم، شماره ۲، ۶۱-۷۶.

علیرضائزاد، سهیلا (۱۳۹۲)، «گونه شناسی صندوق های قرض الحسنه و توانمندی زنان: مدل سنتی اعتبارات خرد در ایران»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۲، ۹۱-۱۰۳.

عیسی زاده، سعید (۱۳۸۹)، «تأثیر عوامل نهادی بر کارایی و هزینه نظام بانکی ایران»، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۵، ۳۹-۷۵.

فعالیت، وحید و ندا خارقانی (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر وام های خرد بر اشتغال (مطالعه موردی ایران)»، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۴۱، ۲۲-۴۴.

قضاوی، حسین، حسین کیانی زاده، نعمت الله ملاکریمی و یاسر موهبتی (۱۳۹۰)، «ساختار صندوق های قرض الحسنه در ایران و الگوی مبتنی بر اتحادیه های اعتباری»، مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره های ۷ و ۸، ۷-۳۴.

مجیدی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «امکان پذیری خرید اعتباری سهام در بورس اوراق بهادار تهران و راهکارهای آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. محقق نیا، محمد جواد (۱۳۹۲)، «ساختار بانکداری اسلامی و ارائه الگویی برای بانکداری اسلامی در ایران»، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

مرتضوی فر، زینب (۱۳۸۸)، «اثر تامین مالی خرد بر رفاه اقتصادی خانوار، مطالعه موردی: بررسی رویکرد صندوق اشتغال کمیته امداد امام خمینی (ره) در حوزه مالی خرد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

مصباحی مقدم، غلامرضا، حسین میسمی، محسن عبداللهی و مهدی قائمی اصل (۱۳۹۰)، «وقف به مثابه منبع تامین مالی خرد اسلامی ارائه الگوی تشکیل موسسات تامین مالی خرد وقفی در کشور»، فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ۵، ۹۱-۱۳۰.

میسمی، حسین و مصطفی شهیدی نسب (۱۳۸۹)، «بررسی تجربه تأمین مالی خرد اسلامی در کشور سریلانکا»، تازه های اقتصاد، سال هشتم، شماره ۱۲۸، ۹۶-۱۰۱.

میسمی، حسین، علی حسن زاده و مصطفی شهیدی نسب (۱۳۹۱)، «رویکردی مرحله‌ای برای استفاده از عقود مشارکتی در تامین مالی خرد اسلامی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۲، ۳۳-۶۲.

ورمزاری، حجت، خلیل کلاتری و حسین شعبانعلی فمی (۱۳۸۹)، «تحلیل عوامل مؤثر بر نحوه استفاده از تسهیلات بانکی کشاورزی (مورد: شهرستان خوی)»، پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۳، ۸۳-۱۰۸.

یزدانی، مریم (۱۳۹۰)، «قرض الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی»، مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۵ و ۶، ۲۹-۴۰.

یونس، محمد (۱۳۹۳)، *بانکدار فقرا*، ترجمه: وطن دوست، لیلا. تهران: انتشارات گرایش تازه.

ب- انگلیسی

- Adler, M., and E. Ziglio (1996), *Gazing into the Oracle: The Delphi Method and Its Application to Social Policy and Public Health*, London: Kingsley Publishers.
- Barry T. A. and R. Tacneng (2014), "The Impact of Governance and Institutional Quality on MFI Outreach and Financial Performance in Sub-Saharan Africa", *World Development*, 58: pp 1-20.
- Becchetti, L. and S. Castriota (2011), "Does Microfinance Work as a Recovery Tool After Disasters? Evidence from the 2004 Tsunami", *World Development*, 39 (6): 898-912.
- Cason, T. N., L. Gangadharan and P. Maitra (2012), "Moral Hazard and Peer Monitoring in a Laboratory Microfinance Experiment", *Journal of Economic Behavior and Organization*, 82: 192-209.
- Chowdhury, T. A. and P. Mukhopadhyaya (2012), "Assessment of Multidimensional Poverty and Effectiveness of Microfinance-Driven Government and NGO Projects in the Rural Bangladesh", *The Journal of Socio-Economics*, 41: 500- 512.
- Cornée S. and D. Masclet (2013), "Long-Term Relationships, Group lending and Peer Sanctioning in Microfinance: New Experimental Evidence", Economics working paper Center for Research in Economics and Management (CREM), University of Rennes 1, University of Caen and CNRS. (Center for Research in Economics and Management (CREM), University of Rennes 1, University of Caen and CNRS).
- Cotler, P. and D. Almazan (2013), "The Lending Interest Rates in the Microfinance Sector: Searching for its Determinants", *The Business and Economics Research Journal*, 6(1): 69-81.

- Crépon, B., F. Devoto, E. Duflo and W. Parienté (2011), "Impact of Microcredit in Rural Areas of Morocco: Evidence from a Randomized Evaluation", Working Paper prepared for the International Growth Centre at the London School of Economics.
- Deloach, S. B. and E. Lamanna (2011), "Measuring the Impact of Microfinance on Child Health Outcomes in Indonesia", *World Development*, 39(10): 1808–1819.
- Dunham, R. (1996), "The Delphi technique. [Cited 2002 Mar 24]", Available from: <http://www.medsch.wisc.edu/adminmed/2002/orgbehav/delphi.pdf>
- Electrin, M. and et. al. (2013), "An Evaluation of Microfinance Services on Poverty Alleviation in Kisii County, Kenya", *Research Journal of Finance and Accounting*, 4(10): 28-39.
- El-Gamal, M., M. El-Komi, D. Karlan and A. Osman (2014), "Bank-insured RoSCA for microfinance: Experimental evidence in poor Egyptian villages", *Journal of Economic Behavior and Organization*, 103, 56–73.
- El-komi, M. and R. Croson (2013), "Experiments in Islamic microfinance", *Journal of Economic Behavior and Organization*, 95: 252– 269.
- Galema, R., R. Lensink and L. Spierdijk (2011), "International diversification and Microfinance", *Journal of International Money and Finance*, 30: 507–515.
- Giné, X. and D. Karlan (2014), "Group Versus Individual Liability: Short and Long Term Evidence from Philippine Microcredit Lending Groups", *Journal of Development Economics*, 107: 65–83.
- Hartarska, V., X. Shen and R. Mersland (2013), "Scale Economies and Input Price Elasticities in Microfinance Institutions", *Journal of Banking and Finance*, 37: 118–131.
- Hasanzadeh, A. and H. Meisami (2012), "The Economic Necessity of Establishing Islamic Microfinance Institutes in Iran: A Theoretical Analysis", *Basic Research Journal of Business Management and Accounts*, 1(1): 6-13.
- Hermes, N., R. Lensink and A. Meesters (2011), "Outreach and Efficiency of Microfinance Institutions", *World Development*, 39 (6): 938–948.
- Hudon, M. and A. Périlleux (2014), "Surplus Distribution and Characteristics of Social Enterprises: Evidence from Microfinance", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 54: 147–157.
- Jabakhail, M. (2012), "Islamic Microfinance: A Remedy for Poverty in Afghanistan? (M.S. Thesis)", University of Erfurt.
- Jang, R. (2013), "Microfinance Business Models: Comparing and Contrasting Grameen Bank and Compartamos Banco (M.S. Thesis)", Massachusetts Institute of Technology,.

- Jia, X., X. Cheng and H. Jikun. (2013), "Microfinance, Self-employment, and Entrepreneurs in Less Developed Areas of Rural China", *China Economic Review*, 27: 94–103.
- Karlan, d. s. (2002), "Social Capital and Microfinance (PH.D Thesis)", Massachusetts institute of technology.
- Kennedy H. P. (2004), "Enhancing Delphi Research: Methods and Results", *J Adv Nurs*; 45(5): 504-11.
- Khandker, S. R. (2012), "Seasonality of Income and Poverty in Bangladesh", *Journal of Development Economics*, 97: 244–256.
- Kireti G. W. and M. Sakwa (2014), "Socio-Economic Effects of Microfinance Services on Women: The Case of Rosewo Microfinance, Nakuru County, Kenya", *International Journal of Academic Research in Economics and Management Sciences*, 3(3): 43-60.
- Kodongo, O. and L. Kendi (2013), "Individual Lending Versus Group Lending: An Evaluation with Kenya's Microfinance Data", *Review of Development Finance*, 3: 99–108.
- Lonborg, J. H. and O. D. Rasmussen (2014), "Can Microfinance Reach the Poorest: Evidence from a Community-Managed Microfinance Intervention", *World Development*, 64: 460–472.
- Ly, P. and G. Mason (2012), "Competition Between Microfinance NGOs: Evidence from Kiva", *World Development*, 40(3): 643–655.
- Mallick, D. (2012), "Microfinance and Moneylender Interest Rate: Evidence from Bangladesh", *World Development*, 40(6): 1181–1189.
- Marju, V. (2007), "Growth of Indian Microfinance: a Case-Study-Based Review of Trends and Challenges (M.B.A Thesis)", Massachusetts institute of technology.
- Menknoff, L. and O. Rungruxsirivorn (2011), "Do Village Funds Improve Access to Finance? Evidence from Thailand", *World Development*, 39(1):110–122.
- Mersland, R., B. Despallier and M. Supphellen (2013), "The Effects of Religion on Development Efforts: Evidence from the Microfinance Industry and a Research Agenda", *World Development*, 41:145–156.
- Nudamatiya, A. B, D. Y. Giroh and J. F. Shehu (2010), "Analysis of Micro-finance Impact on Poverty Reduction in Adamawa state, Nigeria", *JOURNAL OF Agriculture and Social Sciences*, 6(4): 91-96.
- Ocasio, V. M. (2012), "Essay on the Role of Microfinance Institutions in Financial Deepening Economic Growth and Development (PH.D Thesis)", Colorado State University.
- Okpara, G. C. (2010), "Microfinance Banks and Poverty Alleviation in Nigeria", *Journal of Sustainable Development in Africa*, 12(6): 177-192.
- Pellegrina, L. D. (2011), "Microfinance and Investment: A Comparison with Bank and Informal Lending", *World Development*, 39(6): 882–897.

- Powell, C. (2003), "The Delphi Technique: Myths and Realities", *J Adv Nurs*, Feb; 41(4): 376-82.
- Rahman, M. M. (2010), "Islamic Micro-Finance Programme and Its Impact on Rural Poverty Alleviation", *International Journal of Banking and Finance*, 7(1):119-138.
- Rajbanshi R., M. Huang and B. Wydick (2015), "Measuring Microfinance: Assessing the Conflict between Practitioners and Researchers with Evidence from Nepal", *World Development*, 168: 30-47.
- Ringkvist, J. (2013), "Women's Empowerment through Microfinance- A Case Study on Burma. Bachelor Thesis", Department of Economics at the University of Lund, Sweden.
- Riwajanti, N. I. (2014), "Exploring the Role of Islamic Microfinance Institution in Poverty Alleviation Through Microenterprises Development, A Case Study of Islamic Financial Cooperative (BMT) in Indonesia", *Kyoto Bulletin of Islamic Area Studies*, 7: 49-66.
- Roberts, P. W. (2013), "The Profit Orientation of Microfinance Institutions and Effective Interest Rates", *World Development*, 41: 120-131.
- Rutherford, S. (2000), "The Limits of Micro Credit as a Rural Development Intervention", The Institute for Development Policy and Management, Manchester university.
- Sagamba, M., O. Shchetin and N. Yusupov (2013), "Do Microloan Officers Want to Lend to the Less Advantaged? Evidence from a Choice Experiment", *World Development*, 42:182-198.
- Serrano-Cinca, C. and B. Gutierrez-Nieto (2014), "Microfinance, the Long Tail and Mission Drift", *International Business Review*, 23: 181-194.
- Servin, R., R. Lensink and M. Van Den Berg (2012), "Ownership and Technical Efficiency of Microfinance Institutions: Empirical Evidence from Latin America", *Journal of Banking and Finance*, 36: 2136-2144.
- Togba, E. L. (2012), "Microfinance and Households Access to Credit: Evidence from Côte D'Ivoire", *Structural Change and Economic Dynamics*, 23: 473- 486.
- Vernerey, A. and J. Hörnell (2013), "The Impact of Population Mobility on Repayment Rates in Microfinance Institutions", Working paper at Duke University Durham, North Carolina.
- Vonderlack, R. M. and M. Sehreiner (2002), "Women, Microfinance and Savings: Lessons and Proposals", *Development in Practice*, 12: (5): 602-612.
- Weber, O. and A. Adnan (2014), "Empowerment Through Microfinance: The Relation Between Loan Cycle and Level of Empowerment", *World Development*, 62:75-87.